

## مقدمه چاپ اول

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْفَرِينَ هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ.<sup>۱</sup>

جامعه، بعد اجتماعی انسان و پدیده های اجتماعی به صورت مستقل و صریح برای نخستین بار از سوی پیامبران الهی و در قالب دین مورد توجه قرار گرفته است. قرآن مجید با صراحت کامل از این امر سخن گفته و شواهد تاریخی نیز آن را تصدیق می کند.<sup>۲</sup>

توجه همه جانبه، عمیق و واقع بینانه اسلام به جامعه و امور و مسائل اجتماعی، اگر نگوئیم امری بی نظیر است، بدون شک، در تاریخ بشریت، موضوعی کم نظیر به شمار می رود.

دعوت به مطالعه جوامع، بیان سنتهای الهی-اجتماعی، پرداختن به تاریخ جوامع، اهمیت دادن به زندگی در جامعه، دعوت به وحدت و یکپارچگی، وضع قوانین اجتماعی و مسائلی از این قبیل که در قرآن و روایات با کمال صراحت و به تفصیل مطرح گردیده است، نشانه های گویایی بر این امر تواند بود. اهمیت فراوانی که اسلام برای جامعه و امور اجتماعی قائل شده تا حدی است که علامه طباطبایی-رضوان الله تعالی علیه- می فرماید: بدون شک اسلام تنها دینی است که اجتماع و زندگی اجتماعی را اساس تعلیمات خویش قرار داده و روح جامعه را تا آخرین حد ممکن در احکام و معارف خویش نفوذ می دهد. اسلام به

۱. آل عمران، ۱۳۷ و ۱۳۸. ۲. ر.ک.: المیزان، ج ۴، ص ۹۹.

قدری به اجتماع اهمیت می‌دهد که نظیری برای آن یافت نشده و نخواهد شد.<sup>۱</sup> انقلاب اسلامی ایران که ریشه در اسلام و قرآن داشت، سبب تحوّل در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی و به ویژه تحوّل در فرهنگ حاکم بر جامعه شد. به همین دلیل، انقلاب فرهنگی در جامعه اسلامی ما یک رخداد ضروری و طبیعی بود. هدف و محور اصلی انقلاب فرهنگی را بیش از هر چیز نوعی تحوّل و دگرگونی بنیادین و عمیق در علوم انسانی تشکیل می‌دهد. چه آنکه از یک سو پیوند این علوم با موضوعات ایدئولوژیک بیش از علوم تجربی و علوم پایه است، و از سوی دیگر این علوم می‌توانند روزنه جدیدی برای نفوذ استعمار در کشورهای جهان سوم به شمار آیند. زیرا نظامهای استکباری جهان به جای استعمار سیاسی و اقتصادی، و احیاناً برای زمینه‌سازی آنها، و برای حفظ و گسترش سلطه خویش بر ملل مستضعف به استعمار فرهنگی دست می‌زنند.

خودباختگی برخی از روشنفکر نمایان مسلمان در برابر تمدن و علوم غربی و بی‌خبری از معارف اسلامی نیز مزید بر علت گردیده و زمینه را برای نفوذ و سلطه بیش از پیش فراهم ساخته است. بر این اساس یک دگرگونی ژرف و بنیادی و به تعبیر دیگر نوعی بازسازی در علوم انسانی، نخستین قدم و هدف انقلاب فرهنگی بود که متأسفانه حتی با گذشت چند سال از عمر آن و با وجود تلاشهایی که صورت گرفت، نتیجه چشمگیر و درخشانی حاصل نشد. این امر علل و عوامل متعددی داشت که برخی از آنها عبارتند از: کمبود نیرو، بی‌سابقه بودن و عظمت و بزرگی کار و در نتیجه عدم آشنایی کامل دبستان‌درازان و سرانجام وضعیت خاص آن برهه از انقلاب اسلامی ایران.

بازسازی علوم انسانی با همه عظمتی که دارد و تمام مشکلات برخاسته از طبیعت کار و وضعیت اجتماعی موجود باید هرچه زودتر انجام شود. جامعه‌شناسی نیز اگر نیازمندترین رشته علوم انسانی به تحوّل بنیادین نباشد، دست کم یکی از آنهاست. چه آنکه اگر اهداف استعماری را در پیدایش و گسترش

بیش از حد این علم مورد تردید قرار دهیم و از سوء استفاده‌هایی که استعمار از آن کرده و می‌کند چشم‌پوشیم،<sup>۱</sup> این نکته مسلم است که علوم اجتماعی در فضا و زیربنایی کاملاً متفاوت و در بسیاری از موارد متضاد با بینشهای درست و مورد قبول اسلام و جامعه انقلابی-اسلامی ما شکل گرفت و گسترش یافت. چنانکه اهداف مورد نظر نیز، جز در برخی از موارد، به طور کلی با اهداف انقلاب اسلامی مغایر بوده است.

بینش مادی حاکم بر جهان غرب، بر چسب غیر علمی زدن بر کلیه حقایق عقلی و دستاوردهای گرانبهای وحی، استیلای پوزیتیویسم و آمپریسم که کلیه تحقیقات اجتماعی را در چهارچوب خود قرار داده و نیز نظریه‌های قالبی شرقی-غربی که از ویژگیهای بارز علوم اجتماعی است،<sup>۲</sup> لزوم تحوّل بنیادین را به خوبی نمایان می‌سازد.

از سوی دیگر، توجه بسیار زیاد اسلام به امور اجتماعی و اهمیت بی نظیری که در قرآن و روایات به بررسی مسائل اجتماعی و تبیین و تحلیل آنها و نیز به بیان سنتهای حاکم بر جوامع داده شده است دامنه این بازسازی را بسیار وسیع و گسترده می‌ساخت و انجام این تحوّل عظیم را با توجه به کمبود نیروهای کارآمد و غیر شاغل (که معلول نیازهای متنوع انقلاب بود)، بی سابقه بودن کار و مشکلاتی که فراراه آن وجود داشت فوق العاده مشکل، بلکه غیر ممکن، جلوه می‌داد. ولی با تکیه به امدادهای خداوند که همواره در تمام زمینه‌ها راهگشای انقلاب اسلامی بوده است و به خاطر اطاعت از امر امام امت و انجام وظیفه شرعی، قدم نخست برداشته شد که بدون شک برای شرکت کنندگان در این طرح که با آگاهی از کمبودها و تبعات

---

۱. ر.ک.: لوکلرک، جرار؛ الاتروبولوجیه و الاستعمار و همچنین میلز، سی. رایت؛ بینش جامعه‌شناختی، نقدی بر جامعه‌شناسی آمریکا؛ و نیز به: برگر، پتر ال.؛ دعوتی به جامعه‌شناسی.

۲. ر.ک.: همان کتب و به آرون، ریمون؛ مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی؛ مقدمه کتاب.

آن به این امر اقدام کردند، در حقیقت نوعی گستاخی عالمانه بود.<sup>۱</sup> به هر حال، گروه جامعه‌شناسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه همگام با سایر گروه‌های این دفتر، چنانکه در طرح مقدماتی بازسازی علوم انسانی آمده بود، نقطه شروع بازسازی علوم اجتماعی را مشخص ساختن مسائل مادر و تهیه طرح دانست و در مرحله نخست (تابستان سال ۶۱) به تهیه طرح مسائل کلیدی در علوم اجتماعی پرداخت. پس از آن از پاییز سال ۶۱ به مدت نه ماه هر هفته یکی دو موضوع در کمیته خاصی مورد پژوهش قرار می‌گرفت و پس از بحث و مشاوره در جلسات هماهنگی - که تمامی اعضا در آن شرکت داشتند - در سمینار جداگانه‌ای نقد و بررسی می‌شد. محتوای سمینارها از نوار پیاده شده و پس از تصحیح به وسیله ارائه‌کننده موضوع، تکثیر می‌گردید و به منظور اظهار نظر برای صاحب‌نظران در سطح کشور ارسال می‌شد.

با توجه به فرصت کوتاهی که برای تهیه و نقد و بررسی موضوعات در سمینار وجود داشت، مطالب تهیه شده نیاز به بازنگری، بررسی، تهذیب و تکمیل مجدد داشت. از این رو از تابستان سال ۶۲ مرحله سوم کار گروه جامعه‌شناسی آغاز شد. این مرحله، چنانکه اوضاع ایجاب می‌کرد، به وسیله گروه محدودتری انجام گرفت. در این مرحله علاوه بر بازنگری، تهذیب و تکمیل موضوعات سمینارها، مسائل جدید دیگری نیز افزوده شد. این تهذیب و تکمیل نیز به گونه‌ای بود که در اکثر موارد محتوای مطالب به کلی با مسائل موجود در جزوه‌ها متفاوت بود. همچنین برای هماهنگی موضوعات و به دلیل رعایت نظم ویژه کتاب، برخی از موضوعات طرح شده در سمینارها به بخش ضمایم منتقل شد که - ان شاء الله - در آینده نزدیک در اختیار صاحب‌نظران قرار خواهد گرفت.<sup>۲</sup>

۱. اشاره به بیانات رئیس جمهور وقت آیت الله سید علی خامنه‌ای - مدظله - در دیدار اعضای دفتر با ایشان و سخنرانی وزیر فرهنگ و آموزش عالی (آقای نجفی) در سمینار فروردین ماه ۱۳۶۲، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در قم.

۲. به دلیل نیاز شدید دانشگاهها و سایر مراکز علمی و اشتیاق بیش از حد به کتاب مبانی

این مرحله، برخلاف آنچه که در طرح پیش بینی شده بود و به عللی که اکنون مجال طرح آن نیست، حدود یک سال به طول انجامید و کتاب حاضر در واقع حاصل حدود دو سال تلاش و تحقیق گروه جامعه‌شناسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه است.

در پایان تذکر نکاتی چند را ضرور دانسته، به اختصار از آنها یاد می‌شود:

۱. واژه جامعه‌شناسی (Sociology) و نیز علوم اجتماعی (Social Sciences)

همانند بسیاری از واژه‌های علوم جوان دیگر، هنوز یک مفهوم دقیق و منضبط، که دست کم مورد اتفاق اکثریت صاحب‌نظران باشد، نیافته‌اند. اگر به تاریخ جامعه‌شناسی نگاه کنیم این واژه گاه در مفهومی بسیار وسیع به کار رفته و آن دسته از علوم تجربی را نیز که در صدد شناخت انسان هستند در بر می‌گیرد،<sup>۱</sup> و گاه به معنای علوم تحلیلی که بعد اجتماعی انسان را مورد توجه قرار می‌دهند استعمال می‌شود<sup>۲</sup> و زمانی از آن مفهومی اخص<sup>۳</sup>، که در برابر هر یک از علوم اجتماعی

---

جامعه‌شناسی و نیز به دلیل مراجعات فراوان و تقاضاهای مکرر از سوی اندیشمندان وارگانها برای دریافت این کتاب، تأخیر چاپ کتاب را بیش از این رواندانستیم و با آنکه بهتر آن بود که بخش ضمایم پیوسته به کتاب و یکجا چاپ شود، انتشار آن را به آینده موکول ساختیم.

۱. اگوست کنت در زمرة کسانی است که جامعه‌شناسی را در مفهومی که مرادف با «علم انسان» است به کار می‌برد. ر. ک. موريس دوورژه؛ روشهای علوم اجتماعی؛ ص ۹.

۲. موريس دوورژه که جامعه‌شناسی را شامل علم اقتصاد، علم سیاست و شاخه‌های مختلف جامعه‌شناسی می‌داند، می‌گوید: «در کتاب حاضر، آن دسته از علوم اجتماعی را جامعه‌شناسی خواهیم دانست که هم واقعیتهای کارکردی و هم واقعیتهای ساختی را مطالعه می‌کنند، در برابر آن دسته از علوم اجتماعی که به مطالعه عنصرهای شکل‌ساختی بسنده می‌کنند و بدین ترتیب جنبه توصیفشان بیشتر حفظ شده است.» (روشهای علوم اجتماعی؛ ص ۳۷).

۳. لازم است تذکر داده شود که برخی از جامعه‌شناسان، جامعه‌شناسی را از علوم اجتماعی عام و علوم نظیر اقتصاد، سیاست و جمعیت‌شناسی را از علوم خاص دانسته‌اند که نباید با آنچه در اینجا مورد نظر ماست خلط شود.

خاص نظیر جمعیت‌شناسی، مردم‌شناسی و... قرار دارد اراده می‌شود.<sup>۱</sup> مفهوم مورد نظر در این کتاب شامل تمامی علوم اجتماعی خاص و تاریخ تحلیلی است که توضیح آن در فصل دوم کتاب خواهد آمد.

۲. با آنکه در طرح مقدماتی بازسازی علوم انسانی حجم کتاب مبانی هر یک از رشته‌های پنجگانه، ۵۰۰ صفحه پیش‌بینی شده بود، ولی در عمل، به ویژه در مرحله بازنگری مجدد، این نتیجه به دست آمد که حجم کتاب مبانی جامعه‌شناسی - نظیر سایر رشته‌ها - حداقل دو برابر مقدار پیش‌بینی شده است. از این رو کتابی که هم اکنون در پیش روی شماست حاوی نیمی از مسائل مبانی جامعه‌شناسی است و بقیه مباحث به خواست خدا در آینده نزدیک مدون و منتشر خواهد شد.

۳. چنانکه قبلاً نیز مذکور افتاد، آنچه در اختیار دانش پژوهان قرار می‌گیرد به منزله نخستین قدم در بازسازی علوم انسانی است و طبیعی است که چنین کاری با توجه به بی سابقه بودن آن و مشکلاتی که قهراً خواهد داشت، چندان موفق و کامل نبوده و عاری از عیب و نقص نیست؛ از این رو نیازمند کسانی است که با فداکاری و پذیرش تبعات آن، از جمله امکان شکست و عدم موفقیت احتمالی، در این مسیر گام بگذارند. گروه جامعه‌شناسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه نیز خود به پاره‌ای از این نقصها آگاه بوده است ولی به سبب نیاز شدید دانشگاههای کشور به اینگونه کتابها و به دلیل عدم وجود چنین متونی، به عنوان «مالایدرک کله لایترک کله» اقدام به طبع و نشر آن می‌کند. بر صاحب‌نظران، دانش دوستان و علاقه‌مندان به فرهنگ اسلام واجب است که برای بارورتر شدن علوم اجتماعی و شکوفایی و عرضه بهتر و کاملتر فرهنگ اسلام و انقلاب اسلامی، انتقادات و پیشنهادات سازنده خود را از ما دریغ ندارند.

۴. هدف از تدوین این کتاب بررسی موضوعات اساسی و زیربنایی علوم اجتماعی است. از این رو به موضوعاتی که در متن هر یک از رشته‌ها و شعب خاص علوم اجتماعی قرار دارد نمی‌پردازد. چه آنکه پرداختن به آن موضوعات در

۱. اکثر نویسندگان کتابهای جامعه‌شناسی عمومی تقریباً چنین مفهومی را در نظر دارند.

مرحله دوم طرح بازسازی قرار می‌گیرد و باید پس از تهیه کتب مبنایی و براساس آنها در مورد فوق اقدام لازم به عمل آید. به همین دلیل در برخی از موارد که به ناچار در اینگونه موضوعات وارد شده ایم سعی بر آن بوده است که به اختصار برگزار شود.

۵. در این کتاب، مباحث مطرح شده مشتمل بر نظریات و دیدگاههای جدید، ابتکاری و عمیق است (نظیر مبحث روشها و اصالت جامعه) که با توجه به هدف اصلی کتاب یعنی طرح موضوعات کلیدی، به صورت فشرده و به اختصار مطرح گردیده است. بنابراین، مطالعه آن، دقت و تعمق بیشتری را می‌طلبد و در برخی از موارد مراجعه به منابع برای درک درست مطالب ضروری است.

۶. سعی گروه بر این بوده تا در تدوین کتاب مبنایی حتی الامکان از متون اصلی استفاده شود، ولی با توجه به محدود بودن امکانات دفتر و نیز به دلیل عدم دسترسی به متون اصلی و فرصت کوتاه طرح، از ترجمه‌ها استفاده شده است. البته گروه هنگام نقل قول از ترجمه‌ها به پاره‌ای از نارساییها در معادنها یا ترجمه عبارات واقف بوده ولی به دلیل کثرت آنها و حفظ امانت، جز در چند مورد که در جای خود تذکر داده شده است، مطالب به همانگونه که در ترجمه آمده ذکر گردیده است. بنابراین ضمن ارج نهادن به زحمات مترجمانی که برای نشر دانش به ترجمه متون علمی همت گماشته‌اند یادآور می‌شویم که نقل قول از یک ترجمه به معنی پذیرش کامل آن ترجمه یا مترجم نباید تلقی گردد.

۷. به منظور حفظ انسجام و ارتباط مطالب مطرح شده در فصلهای کتاب و نیز به دلیل آنکه دیدگاههای اسلامی چنانکه باید بیان و تفسیر شود، بخشی از مطالب بعداً تحت عنوان ضمیمه‌ها در اختیار پژوهشگران قرار خواهد گرفت.

۸. نکته شایان توجه آنکه به ثمر رسیدن این قدم نخست تا حد بسیاری در گرو تداوم و استمرار آن است و ادامه کار بازسازی علوم اجتماعی نیاز به همکاری گروه بیشتری از پژوهشگران علوم اجتماعی و اندیشمندان اسلامی خواهد داشت تا با تلاش و کوشش پیگیر، این حرکت عظیم الهی شتابی بیشتر گیرد و نهال پاک

فرهنگ اسلامی زودتر به بار نشیند و در آینده نزدیک شاهد تحوّل عظیم در علوم انسانی در سطح جهان باشیم.

گروه جامعه‌شناسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ضمن تشکر از همه کسانی که تاکنون به طور مستقیم و غیرمستقیم با دفتر همکاری داشته‌اند، از تمامی محققان و اندیشمندان علوم اجتماعی تقاضا می‌کند که با همکاریهای مستقیم خود در این امر بزرگ، اسلام، انقلاب و دانش و فرهنگ انسانی را یاری دهند و دست کم ما را از طرحها و پیشنهادات سازنده خویش بهره‌مند سازند.

گروه جامعه‌شناسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه

قم



## مقدمه چاپ دوم

فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَكْبَابِ<sup>۱</sup>

جامعه‌شناسی و سایر علوم انسانی در دهه‌های اخیر با استقبال روزافزونی در جوامع غربی روبرو بوده و رشد چشمگیری داشته‌اند. موفقیت‌های این علوم باعث شد دانشمندان علوم انسانی به طور غافلگیرانه در مسیر مطالعه موضوعات این رشته با شتاب هرچه بیشتری دست به کار شوند. علاوه بر شیفتگی این دانشمندان نسبت به پژوهش‌های علمی رایج، نهادی شدن جامعه‌شناسی و علوم انسانی دیگر به عنوان رشته‌های آکادمیک، جامعه‌دانشمندان را مانند دیگر اعضای جوامع ملزم به یک رشته ضوابط نهادی، ضوابطی نظیر نظام پاداش‌دهی، الگوهای اشتغال آکادمیک، و ضوابط کسب درجات علمی دانشگاهی کرد. علاوه بر ارزشها و بینش‌های فرهنگی و هستی‌شناسانه فعالیت‌های علمی را در چهارچوب خاصی که مفروضات ویژه‌ای اقتضا داشت محصور و کانالیزه کرد.

این گونه مفروضات از طریق فرایند اجتماعی شدن علمی<sup>۲</sup> به نسل جدید دانشمندان القا می‌شد. سرمایه‌گذاری گروه‌های ذینفع در مطالعات اجتماعی نیز در تثبیت و تأیید روند رایج مطالعات اجتماعی مؤثر بود. جامعه‌شناسانی که در سیر تحقیقات نهادی شده برای ایفای «نقش علمی» تربیت می‌شدند کمتر فرصت می‌یافتند مبانی غیرروشی و غیرعلمی-مبانی اجتماعی، فرهنگی، هستی‌شناسانه، و ارزشی-رشته‌های علمی خود را بررسی کنند.

۱. زمر، ۱۷ و ۱۸.

با گذشت زمان تمامی علوم از جمله جامعه‌شناسی بن‌بست‌هایی را پیش روی خود احساس کردند که در نتیجه آن، تردیدهایی نسبت به فعالیت‌های علمی و ارزش و اعتبار آنها در ذهن فیلسوفان علم و دانشمندان علوم مختلف پدید آمد و حاصل آن واقع‌نگری بیشتر و دست برداشتن از بلند پروازی‌های موجود نسبت به دستاوردهای علوم بود، تردیدها و سؤالاتی درباره مبانی غیر علمی علوم و اینکه موضوع تحقیق را چه کسی و با چه ملاکی انتخاب می‌کند یا اینکه یافته‌های محققان را چه کسی ارزیابی می‌کند و یا اینکه این تحقیقات بر چه پایه‌ها و مفروضات غیر تجربی استوارند.

از طرفی دیگر امروز ساختار فن‌شودالی بسیاری از جوامع فروپاشیده، و سرعت صنعتی یا شبه صنعتی می‌شوند. در نتیجه، ما شاهد باز شدن جوامعی هستیم که قبلاً بسته بوده و در زمینه علوم جدید فعالیت‌های نداشته‌اند و در تماس با جوامع پیشرفته صنعتی است که بازتاب فعالیت‌های علمی آن جوامع را در جامعه خود تجربه می‌کنند.

مشکل عمده محققان و محصلان جوامع میزبان، مشکل نهادی نشدن این علوم در جامعه آنهاست، ملاکها و ارزش‌هایی که بر اساس آن دانشمندان غربی تربیت و اجتماعی شده است در جامعه دانشمندان اینگونه کشورها وجود نداشته و اصولاً این علوم در این جوامع همانند موطن اصلی خود نفوذ ندارند. البته، اگر با بصیرت کافی با این موقعیت برخورد شود آنچه در ابتدا یک مشکل می‌نمود نوعی امتیاز و فرصت خواهد بود.

صرف نظر از ملاکهای مستقلی که برای قضاوت در زمینه علمی بودن یک علم و ارزش علمی دستاوردهای آن می‌توان داشت بررسی مبانی اجتماعی، ارزشی و متافیزیکی آنها نیز در امر ارزیابی و بازنگری علوم می‌تواند نقش بسزایی داشته باشد. جامعه‌شناسی در میان خانواده علوم انسانی بیش از هر رشته دیگر موفق به این بررسی و سعی در نقد و ارزیابی مفروضات بنیادی خود شده است. لیکن این سؤال مهم است که بازنگری جامعه‌شناسی با کدام ابزار و مفهوم

باید صورت گیرد و چه کسانی صلاحیت این کار را بیش از دیگران دارند. جامعه‌شناسی نظیر گلدنر معتقد است قویترین منتقدان جامعه‌شناسی، خود جامعه‌شناسان بوده‌اند. به عبارت دیگر، برای ارزیابی جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسان بهتر از دیگران موفق به کنار نهادن پیش‌فرضهایی شده‌اند که به وسیله جامعه به آنها القا شده است. اما در این میان اندیشمندان جوامع غیر غربی که اخیراً با این علم آشنا شده‌اند به نظر می‌رسد بهترین و مناسبترین فرصت را برای بازنگری و بررسی مبانی جامعه‌شناسی غربی داشته باشند.

جامعه‌شناس غربی که غافلگیرانه در مسیر شکل‌گیری و رشد جامعه‌شناسی گرفتار آمده است حتی هنگامی که متوجه لزوم بازنگری این علم می‌شود اتخاذ موضع بیطرفانه نسبت به آموخته‌هایش بسیار دشوار است. اما آشنایان غیر غربی با جامعه‌شناسی غربی حداقل به دو دلیل یکی عدم تربیت علمی با همان موازین نهادی شده در غرب، و دیگر به دلیل اختلافات بینشی و فرهنگی و هستی‌شناسانه‌ای که ممکن است بین دو جامعه وجود داشته باشد موقعیت بهتری برای بازنگری این علم را دارند. در این میان غنای فرهنگی اسلام و ارزشها و هستی‌شناسی متفاوت متفکر اسلامی او را در موقعیت مناسبی برای ارزیابی و بازنگری جامعه‌شناسی وارداتی غربی قرار می‌دهد. البته داشتن این موقعیت به معنای استفاده صحیح از آن نیست و همان خطراتی که جامعه‌شناس غربی را تهدید نمود بالقوه متفکر مسلمان را نیز مورد تهدید قرار می‌دهد و بیم آن می‌رود که او نیز در مسیری دیگر به همان صورت غافلگیر شود و پس از مدتی مدید عده‌ای به فکر ارزیابی دستاوردهای خودشان برآیند که بسیار دیر و دشوار شده باشد. اما در صورتی که با آگاهی نسبت به وظیفه و مسئولیت خویش از امکاناتی که در اختیار هست استفاده شود امید می‌رود بازنگری و احیاناً بازسازی علوم انسانی در این دیار با موفقیت‌های شایان توجهی توأم باشد.

بازنگری جامعه‌شناسی غربی در پرتو ارزشها و معارف اسلامی چه بسا دریچه‌های نوینی را برای بررسی پدیده‌های اجتماعی فرا راه این علم قرار دهد که

در نظر گرفتن و استخدام آنها دستاوردهای کاملاً متفاوت و پرتثیری را در پی داشته باشد.

در ارتباط فوق تذکر این نکته ضروری است که هر علمی دارای دو بخش متمایز مبادی و مفروضات غیرعلمی و مباحث علمی است. هرچند برای بحث و بازنگری مباحث علمی لازم است ابزار و مفاهیم همان علم را در اختیار داشته باشیم و این امر بطور مستقل در جوامع غیر غربی تحقق نیافته است اما مباحث مربوط به مبادی را می‌توان در این مقطع با حساسیتهای مذکور انجام داد.

«کتاب درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی» که اینک تجدیدنظر شده بخش اول آن را به عنوان چاپ دوم در اختیار دارید در راستای چنین هدفی نگاشته شده است صرف نظر از میزان موفقیتی که در این امر کسب کرده تدوین و تألیف مباحث آن بیانگر آگاهی از ضرورت بنیان نهادن علم جامعه‌شناسی بر شالوده‌های مستحکم تروبی اشکال تر است.

به عنوان مثال در قسمت تاریخچه شیوه معمول نویسندگان بررسی و تعقیب بنیانهای جامعه‌شناسی در تفکرات اجتماعی یونانیان است و سعی می‌شود مفروضات سرمشقی تفکر فلسفی-اجتماعی یونانیان برای دانشمندان علوم اجتماعی اخیر بیان گردد و حتی نشان داده شود چگونه تناقضات موجود در تفکرات یونانی در میان دانشمندان علوم اجتماعی نیز تا زمان حاضر استمرار یافته است. لیکن کتاب حاضر سعی کرده است با مطرح نمودن تفکرات اجتماعی دانشمندان غیر یونانی به فرهنگها و تفکرات دیگر به عنوان منبع بالقوه‌ای نگاه کند که بتوان از آن مفروضات جدیدی را استخراج نمود. هرچند این تلاش در حال حاضر نتوانسته باشد مفروضات بنیادین خاصی را بطور قطعی عرضه نماید لیکن می‌تواند راهگشای نگرشی نوین در بازنگری علوم انسانی باشد.

مباحث دیگر نیز با چنین هدفی و به منظور گشودن دیدگاهی نوین در تحقیقات جامعه‌شناختی مورد توجه قرار گرفته است.

اما در مورد مباحث درون علمی بایستی امیدوار بود که پس از انجام تأملات و

ملاحظات در مورد مبانی، به مرور در زمان مفاهیم و ابزارهای علمی تجدیدنظر شده و در اختیار صاحبان نظران و پژوهشگران مسلمان و غیرمسلمان قرار گیرد تا بتوانند در موارد ضروری تجدیدنظرها و بازنگریهای لازم را انجام دهند. تحقق چنین امری در آینده نزدیک شاید امکان پذیر نباشد اما به فضل و عنایت پروردگار عالمیان انتظار می رود که گامهای نخستین آن به وسیله حساسیتهایی که در کتاب حاضر ایجاد می شود برداشته شود.

افزون بر آنچه گذشت، کتاب از غنای بیشتر در استناد به منابع اصیل، پیرایش و افزایش مباحث و اشتمال بر مباحث نوینی از قبیل اندیشه های اجتماعی برخی از دانشمندان اسلامی برخوردار است.

در پایان یادآور می شویم که با توجه به تعدد نویسندگان طبیعی است که بخشهای مختلف کتاب از نظر اسلوب نگارش با وجود تلاش صمیمانه ویراستار محترم و کوشش مشترک اعضای گروه ناهمگونیهایی داشته باشد. از همه استادان و پژوهشگرانی که با تهیه مقالات، مطالعه و اظهار نظر و حضور فعال در جلسات نقد و بررسی و کنفرانسها، گروه را یاری دادند سپاسگزاری می شود.

و من الله التوفیق و علیہ التکلان

گروه جامعه شناسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه